

نظریه انتقادی؛ الگویی برای تعامل دین و دولت در جمهوری اسلامی ایران *

تاریخ دریافت: ۹۶/۳/۲۰

تاریخ تأیید: ۹۶/۵/۱

علی ملکی *



نظریه انتقادی؛ الگویی برای تعامل دین و دولت در...

انقلاب اسلامی مرجعیت دوباره دین را در حوزه‌های مختلف زندگی، از جمله دولت مطرح کرد، ولی تبیین مناسب رابطه دین و دولت در قالب الگوهای رسمی و غیررسمی، قرین موفقیت نبوده و چالش‌های نظری و عملی به دنبال داشته است. هدف این مقاله، ارائه راهکاری برای تبیین رابطه دین و دولت از طریق کنش ارتباطی در حوزه عمومی و از طریق دموکراسی گفت‌وگویی به دور از سلطه قدرت و ثروت است تا در کاربست آن عقلانیت‌های مختلف از یکه‌تازی در عرصه دولت پرهیزند. این نوشتار با رویکرد تحلیلی به تبیین نظریه انتقادی مبتنی بر کنش ارتباطی می‌پردازد و گفت‌وگو در حوزه عمومی را پیشنهاد می‌کند تا گفت‌وگوی دین و دولت در امور مبهم، از طریق رضایت و اقتناع عمومی باشد.

کلیدواژه‌ها: رابطه دین و دولت، جمهوری اسلامی، نظریه انتقادی، کنش ارتباطی، حوزه عمومی.

* این مقاله برگرفته از رساله دکتری با عنوان [الگوهای نظری مناسبات دین و دولت در جمهوری اسلامی ایران] و راهنمایی حجت‌الاسلام والمسلمین احمد واعظی است که در دانشگاه باقرالعلوم (ع) دفاع شد.

** استادیار دانشگاه تفرش (ali_malaki70@yahoo.com).

۱. مقدمه

در تفکر سیاسی معاصر ایران، اندیشه‌های مختلفی در خصوص مناسبات دین و دولت شکل گرفته است. در این میان، بی‌گمان یکی از مهم‌ترین جدال‌ها و برخوردها میان تجدد و اندیشه سنتی اسلامی در ایران پدید آمده است. بسط و گسترش تجدد به کشورهای مختلف جهان و از جمله ایران، سبب دوگانگی در تفکر سیاسی شده است؛ به گونه‌ای که هم دولت‌های حاکم مانند قاجار و پهلوی را به چالش کشیده و هم اندیشه سیاسی شیعه را درباره سیاست و دولت به تکاپو واداشته است. با پیروزی انقلاب اسلامی، تجربه جدیدی در ساخت قدرت و شکل‌گیری دولت مدرن پدید آمد و نقش مذهب در سیاست، مجدداً مطرح شد و به دنبال اندیشه‌های ایرانی و اسلامی و در تقابل با اندیشه‌های مدرن قرار گرفت. حضور مذهب در حوزه دولت پس از انقلاب اسلامی، حتی اندیشه‌های مدرن را نیز به چالش طلبید (سعید، ۱۳۸۹، ص ۱۵). وجود سه نوع اندیشه سیاسی ایرانی، اسلامی و مدرن و چالش‌های عملی ناشی از سی سال حضور دین در عرصه دولت، سبب پدید آمدن الگوهای نظری مختلفی درباره مناسبات دین و دولت شده است؛ زیرا در شکل‌گیری انقلاب اسلامی، نیروهای مختلفی از اسلامی و مدرن در ائتلافی گسترده شرکت داشتند و بدین ترتیب، برخی تعارضات میان عقلانیت دینی و عقلانیت مدرن در حوزه دولت شکل گرفت.

گفت‌وگو و تعامل عقلانیت دینی و دیگر عقلانیت‌ها در تدوین قانون اساسی، سبب ترکیب پیچیده‌ای از دولت و نظام سیاسی شد و این نشان‌دهنده آن است که طراحان قانون اساسی به دنبال ایجاد سنتزی بین آموزه‌های اسلامی و مدرن بوده‌اند. مشکلات و پیچیدگی‌های تئوریک و عملی در تعامل دین و دولت، همواره در جامعه وجود داشته و دارد و الگوهای دین و دولت بعد از جمهوری اسلامی ایران نتوانسته‌اند به صورت نظری این مشکلات را حل کنند؛ لذا در عمل، با چالش‌های مختلفی روبه‌رو شده‌اند.^۱ گفت‌وگوی عقلانیت‌های مختلف در این زمینه می‌تواند از مشکلات نظری و عملی

۱. مثلاً در دهه اول نظام جمهوری اسلامی ایران بین قوه مقننه به‌عنوان قانون‌گذار و قوه مجریه به‌عنوان نماینده اجرایی دولت مدرن و شورای نگهبان به‌عنوان نماینده شریعت در حوزه قواعد و مقررات اجتماعی این نزاع در گرفت که نماینده دولت به دنبال ایجاد محدودیت‌های خاص برای کارفرمایان، دولتی‌کردن تجارت خارجی و... بود؛ در حالی که نماینده شرع چنین محدودیت‌هایی را برخلاف شرع می‌دانست.

بکاهد. از آنجا که نگارنده الگوی داخلی تئوریک برای گفت‌وگو در این زمینه نیافت، با بازسازی، اصلاح و بومی‌سازی نظریه انتقادی مبتنی بر کنش ارتباطی منتج از مباحث فلسفی و جامعه‌شناختی یورگن هابرماس، کوشیده است الگویی برای تعامل و گفت‌وگو میان دین و دولت بر اساس ارزش‌های دینی و ظرفیت‌های قانون اساسی پیشنهاد کند. این نوآوری می‌تواند گفت‌وگو بین عقلانیت دینی، مدرن و دیگر عقلانیت‌ها را در حوزه‌های مسئله‌خیز و خاکستری، از طریق اقناع عمومی حل کند و تعارض ظاهری دین را با مفاهیم مدرن برگرفته از تجربه بشری برطرف سازد. هدف علمی این پژوهش یافتن راهی برای تبیین رابطه دین و دولت در جمهوری اسلامی ایران است تا بتواند مقدمه‌ای برای کاوش‌های آتی باشد و هدف عملی آن ارائه راهی برای گفت‌وگوی الگوی رسمی و غیررسمی دین و دولت در جمهوری اسلامی ایران است. در این مقاله استفاده از روش کتابخانه‌ای و تحلیل محتوا مورد توجه قرار گرفته است.

۲. مفاهیم پژوهش

الف) دین و عقلانیت دینی

دین (religion) در لغت فارسی و عربی به معنای کیش، آیین، طاعت، انقیاد، اطاعت کردن، رستگار شدن، اسلام و توحید آمده است (معین، ۱۳۷۱، ذیل دین) و در اصطلاح در گرایش‌های مختلف به صورت‌های متفاوت تعریف شده است. علت این تعدد تعاریف، تنوع ادیان، ناتوانی در یافتن وجه مشترک برای ادیان (توفیقی، ۱۳۷۹، ص ۱۱۳)، تفاوت در مبادی اصولی و منطقی (شجاعی زند، ۱۳۸۸، ص ۱۱۹) و تعریف آن با توجه به موضوعات علوم گوناگون بوده است.

در این مقاله دین به‌عنوان یک نهاد در نظر گرفته می‌شود و مناسبات آن در برابر نهاد دولت در جمهوری اسلامی ایران بررسی می‌شود. نهاد (Institution) از واژه لاتین Institueye به معنای ساختن و مستقر کردن گرفته شده است؛ یعنی جنبه‌ای از حیات اجتماعی که بر پایه ارزش‌هایی، استقرار یابد و سازمان‌های گوناگونی بر محور آن پدید آید. مراد از دین، نهاد دین است؛ به معنای مجموعه ارزش‌های تولیدشده از دین که مستقر و نهادینه می‌شود و در جامعه به صورت نهان و آشکار، نگرش‌ها و رفتارهای آدمیان را تحت تأثیر قرار می‌دهد. منظور از عقلانیت دینی در این پژوهش، آن تجربه تاریخی است که در فرایند تأمل انسان در متون دینی مانند قرآن و روایات معصومان شکل گرفته است. این عقلانیت ممکن است در برخی مفاهیم و دستاوردهای سیاسی به صورت بدوی در





برابر عقلانیت مدرن (جدید) قرار گیرد.

ب) دولت و عقلانیت مدرن

دولت در زبان فارسی به معانی مختلفی به کار رفته است؛ مانند سلطنت، اقتدار، حکومت، قدرت، قوه مجریه، نظام اداری کشور، نظام سیاسی، سه قوه و ... (پهلوان، ۱۳۷۹، ص ۲۲۱).

مفهوم دولت (state) از قرن شانزدهم میلادی به بعد رواج یافت. در یونان باستان به جای آن واژه pilis را به کار می بردند. نخستین بار آن را نیکولو ماکیاولی (۱۴۶۹-۱۵۲۷م) به کار برد. دولت دارای عناصر چهارگانه جمعیت، سرزمین، حکومت و حاکمیت است (عالم، ۱۳۸۷، ص ۱۳۷) و در اصطلاح مجموعه‌ای از افراد و نهادهاست که قوانین فائده در یک کشور را وضع و با پشتوانه قدرت برتری که دارد، اجرا می کند (رنی، ۱۳۷۴، ص ۱۳).

اصطلاح مدرن، مشتق از ریشه لاتینی modo یعنی امروزی یا آنچه در تمایز با ادوار قبل رایج است، معنا می یابد. این واژه برای تمایز قایل شدن میان دوره‌های گذشته و جدید به کار می رود و به هر حوزه‌ای از زندگی اطلاق می شود (کهون، ۱۳۸۱، ص ۱۱). مدرنیته (modernity) در بُعد اصلی خود، فرایندی انتقالی از یک شیوه دانش یا ساختار الگویی نظری (Paradigmatic) به شیوه‌ای اساساً متفاوت و گسستن از روش‌های سنتی درک و واقعیت، به شیوه‌های (علمی) جدید اندیشه و تفکر است (شرابی، ۱۳۸۰، ص ۳۵). مدرنیته عناصری همچون لیبرالیسم، اومانیسیم، فردگرایی، آزادی (Freedom to aud freedom) (from) تجربه‌گرایی، تقسیم کار اجتماعی، دولت مدرن و اصل ترقی و پیشرفت بی حد و حصر انسان دارد (بشیریه، ۱۳۷۷، ص ۹) و اغلب به صورت عام و جهانی تصور می شود (احمدی، ۱۳۷۷، ص ۹). مدرنیته، تجربه عقل انسانی این جهانی درباره اداره سامان سیاسی جامعه و دولت است. عقلانیت مدرن یعنی عقلانیتی که از تجربه تاریخی انسان، متأثر از عقل بشری در سامان دادن به حیات سیاسی پدید آمده است.

۳. کنش ارتباطی دین و دولت در حوزه عمومی

نظریه کنش ارتباطی که از مباحث جامعه‌شناختی و فلسفی هابرماس گرفته شده است، به‌عنوان الگوی تحلیل در مناسبات دین و دولت در ایران پیشنهاد شده است. این نظریه، راه‌حلی صوری و شکلی است (formal ideal)؛ وضعیتی است که در آن اختلاف‌ها و برخوردها به‌نحوی عقلانی و از طریق ارتباطی کاملاً به‌دور از اجبار حل می‌شوند که در آن، تنها نیروی استدلال بهتر، می‌تواند غلبه پیدا کند (پیوزی، ۱۳۷۸، ص ۹۵).

روش انتقادی بر کنش ارتباطی مبتنی است (هابر ماس، ۱۳۸۴، ج ۲). نظریه کنش ارتباطی در

برابر دو نوع روش‌شناسی پوزیتویستی و روش‌های تفهیمی است (بتون و کرایب، ۱۳۸۴، ص ۶۵-۱۰۲ و ۱۴۸) و در عین حال از مزایای هر دو استفاده می‌کند. کنش ارتباطی ([communicative](#)) در برابر کنش غایت‌شناسانه قرار می‌گیرد که هدف آن رسیدن به هدف (عقلانیت هدفمند یا ابزاری) بوده، بر دانش تجربی استوار است (Jurgen Habermas, 1987). کنش ارتباطی که با واسطه زبان انجام می‌شود، مخصوص انسان است. این نظریه، پارادایم زبان را در حالت کاربرد و سخن در نظر می‌گیرد. عقلانیت از طریق زبان و در بردارنده نوعی نظام اجتماعی دموکراتیک است و در حوزه کنش ارتباطی، تکامل مثبت می‌یابد (هولاب، ۱۳۷۵، ص ۱۴۷). دانش معتبر، دانشی به شیوه دادرسی قضایی است که در آن، علم از قضاوت‌های مطلق می‌پرهیزد و با تفاهم و گفت‌وگوی دایمی به دست می‌آید. رهایی انسان از طریق خوداندیشی و خودفهمی، در ارتباط مفاهمه‌ای با دیگران، در بستر حوزه عمومی، دموکراتیک و غیرآمرانه است.

در این نظریه از مفاهیمی مانند جهان زیست، سیستم (نظام)، حوزه عمومی و دموکراسی گفت‌وگویی سخن به میان می‌آید که با هم ترکیب شده و کنش ارتباطی را توضیح می‌دهند.

جهان زیست به عنوان یکی از عناصر کنش ارتباطی، وسیله‌ای است که از طریق آن کنش ارتباطی در سه جهان طبیعت، جامعه و خود تحقق می‌یابد (پیوزی، ۱۳۷۸، ص ۱۱۰)؛ حوزه‌ای فراعلمی که وفاق و اجماع در کنش ارتباطی، مبتنی بر هنجارهای برگرفته از آن به دست می‌آید (هولاب، ۱۳۷۵، ص ۶۳).

مفهوم نظام (سیستم)، حکایت از آن دارد که در سرمایه‌داری متأخر، جهان زیست، به وسیله واسطه‌های بیرونی مانند قدرت سیاسی و پول استثمار می‌شود و در نوع خود، بحران‌هایی پدید می‌آورد (هابرماس، ۱۳۸۱، ص ۵۴). سلطه سیاسی و مالی، کنش ارتباطی آزاد را در حوزه عمومی دچار خلل و رکود می‌کند.

حوزه عمومی، قلمرو بین جامعه مدنی و دولت را در بر می‌گیرد که در آن افکار عمومی به وسیله عرصه‌هایی مانند رسانه‌های آزاد، مطبوعات، رادیو، تلویزیون و مکان‌های عمومی مانند مدارس، دانشگاه‌ها، قهوه‌خانه‌ها و مانند آن شکل می‌گیرد (هولاب، ۱۳۷۵، ص ۲۵؛ میرسپاسی، ۱۳۸۱، ص ۵۴). کنش ارتباطی آزاد، در حوزه عمومی شکل می‌گیرد. در این نظریه، کنشگران باید در بیان نظرها و خواسته‌هایشان، فرصت مساوی داشته باشند؛ هرگونه داعیه روایی نظری یا عملی می‌تواند مورد پرسش قرار گیرد و ساختارهای قدرت و





فریب و آرمان‌های گروهی نباید در جدلهای ارتباطی منعی ایجاد کند (وایت، ۱۳۸۰، ص ۱۲۱).

در این نظریه، دموکراسی به معنای نهادی کردن نظریه و استدلال از طریق نظامی از حقوق است که حق مشارکت برابر را برای افراد در فرایند قانون‌گذاری تضمین می‌کند (لسناف، ۱۳۸۷، ص ۴۱۷). بر اساس نظریه کنش ارتباطی، دین و دولت باید به وسیله عقلانیت‌های مختلف در گفت‌وگو و تعامل دایمی باشند و شفاف‌سازی این گفت‌وگوها می‌تواند راه را برای ایجاد رابطه مطلوب بین آن دو فراهم سازد. دموکراسی افزون بر اینکه با ایجاد نهادهای حزبی و نظام پارلمانی محقق می‌شود، در سطوح پایینی و فردی نیز باید مورد توجه قرار گیرد. هدف دموکراسی، مشارکت مردم در زندگی سیاسی بوده است، ولی در دنیای مدرن با ظهور سیاستمداران حرفه‌ای، تنها تعداد اندکی دارای تخصص هستند و عموم مردم مشارکت ندارند. این خلأ را حوزه عمومی می‌تواند پر کند. دموکراسی گفت‌وگویی در برابر دموکراسی لیبرال (اصالت حقوق فردی) و جمهوری‌خواه (اصالت حقوق جمعی) است. این دموکراسی بر عقلانیت مفاهمه‌ای یا ارتباطی مبتنی است، نه عقلانیت ابزاری.

بر اساس کنش ارتباطی، الگوهای نظری باید از ادعاهای مطلق در امور مسئله‌خیز و مورد اختلاف در حوزه دولت دست بردارند و ادعاهای خود را از طریق استدلال، به صورت گفت‌وگو در حوزه عمومی بیان کنند تا این استدلال‌ها به صورت نهادینه شده که مبنای تفاهم دین و دولت است، مورد توجه قرار گیرد.

با توجه به مشکلات تئوریک و عملی تلائم دین و دولت در جمهوری اسلامی ایران، پیشنهاد نگارنده تعامل دایمی دین و دولت در حوزه عمومی است. عقلانیت دینی و مدرن در حوزه عمومی، ادعاهایی دارند و این ادعاها تنها در گفت‌وگویی آزاد و عاری از سلطه قدرت و ثروت و به صورت اجماع حاصل از گفت‌وگوهای اقناعی در صحنه عمل سیاسی مورد توجه قرار می‌گیرد. در این صورت، عقلانیت دینی، روزه‌روز پویاتر و چابک‌تر می‌شود و از دستاوردهای تجربی انسان در حوزه دولت بهره‌برداری می‌کند. گفت‌وگو در حوزه عمومی، یعنی گسترش حوزه فرهنگ و حفظ آن از دستبرد هرگونه سلطه که این گفت‌وگوها، تعارض‌ها را به سوی تعامل عقلانیت‌ها هدایت می‌کند. پیش از طرح این مباحث، مفاهیم اصلی و کلیدی نظریه کنش ارتباطی را در حوزه گفت‌وگو مرور می‌کنیم.

۴. اصول گفت‌وگو در نظریه کنش ارتباطی

روش‌شناسی انتقادی، دانشی فرااثبات‌گرایی است؛ یعنی سلطه انحصاری اثبات‌گرایی را در علوم انسانی نمی‌پذیرد و دانش تجربی را تنها یکی از شاخه‌های معتبر برای تحصیل معرفت می‌داند. دانش افزون بر اعیان تجربه برحسب مقوله‌های پیشین و مفهومی‌هایی که ذهن‌شناسی در هر عمل، فکر و ادراکی را به همراه می‌آورد، تعریف می‌شود و ذهن‌شناسا دارای خصلتی اجتماعی و پویاست. دانش، با واسطه تجربه اجتماعی و فرهنگ پیشین به دست می‌آید. درک و شناخت انسان، بر مبنای الگوهای مشترک او در کاربرد معمولی زبان در تعامل ارتباطی روزمره استوار است. انسان در فکر و در کنش، دنیا را خلق و کشف می‌کند و دانش در جریان این رابطه مولد بین ذهن و جهان متبلور می‌شود (پیوزی، ۱۳۷۸، ص ۲۱-۲۵). در نظریه کنش ارتباطی، یکسری پیش‌فرض‌هایی است که زمینه‌های یک گفت‌وگوی معتبر را تشکیل می‌دهد. مقررات سازنده وضعیت آرمانی گفتار عبارت است از:

(۱) هر فردی که بتواند طرحی را پرس‌وجو کند.

(۲) واجدین شرایط زیر:

الف) هر فردی که توانایی گفتار و کردار دارد، مجاز به شرکت در گفتار است.

ب) هر فردی که بتواند طرحی را به گفت‌وگو بگذارد.

ج) هر فردی که بتواند نظرها، آرزوها و خواست‌هایش را بگوید.

(۳) هیچ گوینده‌ای نباید به اجبار از گفتن باز داشته شود - چه از درون و چه از بیرون

گفتار - و نباید از حق‌های مندرج در موارد الف و ب باز داشته شود (وایت، ۱۳۸۰، ص ۱۲۱).

برخی امور، کنش عقلانی را مختل می‌کند:

(۱) فردگرایی تک‌گویانه (مونولوگ) در اختلال کنش ارتباطی تأثیر فراوان دارد؛ مانند

فردگرایی تک‌گویانه نظریه‌های لیبرالی و فایده‌گرایانه در خصوص جامعه (پیوزی، ۱۳۷۸،

ص ۱۰۵-۱۰۶). دو نوع کنش معطوف به موفقیت و کنش معطوف به تفاهم، تمییز داده

می‌شود که عقلانیت ارتباطی از طریق کنش ارتباطی به دست می‌آید (همان، ص ۱۰۷).

(۲) دولت، مصداق بزرگ سیاست و قدرت در جامعه است و علایق خصوصی و متمایل

به سرکوب رقبا و مخالفان دارد. سلطه دولت بر فرهنگ و استفاده ابزاری از دین، از عوامل

اصلی مختل‌کننده کنش عقلانی به شمار می‌آید.

(۳) ثروت از عوامل اصلی مختل‌کننده کنش ارتباطی است. حوزه اقتصاد با واسطی به

نام پول، همانند حوزه سیاست با واسط قدرت، در برابر حوزه فرهنگ قرار می‌گیرد که به





گسترش کُنش استراتژیک می‌انجامد که به سهم خود می‌تواند عقلانیت ارتباطی را در حوزه فرهنگ تحت‌الشعاع قرار دهد. در این صورت، سیستم از جهان زیست مشترک جدا می‌شود و به سلطه و استعمار می‌پردازد.

(۴) شکل‌ها و رسوم اجتماعی ابتدایی، قبیله‌ای و سنتی در برابر ارتباطات آزاد، مقاومت می‌کنند و مانع عقلانیت تفاهمی می‌شوند (همان، ص ۱۱۱).

(۵) ایدئولوژی‌ها به دلیل گزینش، بزرگ‌نمایی و تحریف زندگی اجتماعی، به‌ویژه در نخستین دوره‌های سرمایه‌داری، همواره عامل اختلال در کُنش ارتباطی بوده‌اند؛ مانند پوزیتیویسم و مارکسیسم.

الگوی کُنش ارتباطی در تبیین مناسبات دین و دولت به دنبال ترسیم راه‌حلی است که هم زمینه عقلانیت استراتژیک فراهم شود و هم موانع عقلانیت مفاهمه‌ای که با گسترش سیستم از طریق قدرت سیاسی و اقتصادی فراهم می‌آید، به استعمارزدایی از جهان زیست و گسترش عقلانیت ارتباطی در تعامل دین و دولت کمک کند.

۵. بازسازی نظریه کُنش ارتباطی در جامعه اسلامی

بر اساس کُنش ارتباطی، دو نهاد دین و دولت در تعامل دایمی با هم، مرزهای یکدیگر را روشن خواهند کرد و مشخص خواهد شد در چه مواردی هژمونی با کدام نهاد است. در این پژوهش بازسازی‌هایی در کُنش ارتباطی به صورت‌های زیر انجام شده است:

(الف) گفت‌وگوهای دین و دولت در جامعه دینی انجام می‌شود و این جامعه یکسری مقبولات و مشترکات پذیرفته‌شده دینی دارد که به گفت‌وگو گذاشته نمی‌شود. اگر دین از حوزه عمومی خارج شود، در این صورت از کُنش ارتباطی خارج می‌شویم.

(ب) در الگوی تعامل دین و دولت در عرصه عمومی، عقل بشری در جامعه اسلامی می‌تواند در امور سیاسی که اموری اعتباری و تفسیرپذیر هستند، مداخله کند.

(ج) بازسازی دیگر به این مسئله می‌پردازد که دین حاوی احکام، شریعت و ارزش‌هایی برای تدبیر زندگی انسان در دنیاست.

(د) در نظریه کُنش ارتباطی، سلطه دولت و ثروت، مختل‌کننده عقلانیت ارتباطی و مفاهمه‌ای است، ولی در جوامع شرقی و به‌ویژه ایران، این سلطه بیشتر به صورت سلطه دولتی بوده است؛ لذا جهان زیست ایرانیان به استثمار حوزه سیاست درآمده و از کُنش ارتباطی محروم بوده است.

(و) در معرفت‌شناسی انتقادی، تکامل تاریخی جامعه بر اساس تعامل دو عنصر کار و

زبان بود و عقل در برابر اسطوره‌ها، سنت‌ها و مذهب قرار می‌گرفت (نوذری، ۱۳۸۱، ص ۹۷)، ولی در اندیشه اسلامی، از ابتدا به عقل‌گرایی و دنیاگرایی توجه شده است و آن دو در برابر دین‌داری تلقی نمی‌شوند.

الف) اصول گفت‌وگو در جامعه اسلامی

همان‌گونه که دموکراسی لیبرال بر ارزش‌های لیبرالیسم مانند مالکیت، فردگرایی، سکولاریسم و مانند آن مبتنی است، دموکراسی اسلامی نیز بر ارزش‌های اسلامی اتکا دارد که از فرهنگ دینی، آداب و رسوم و ارزش‌های اجتماعی آن سرچشمه می‌گیرد. ارزش‌ها در هر جامعه، معیارهایی هستند که رفتارهای انسان را به شکل‌های مختلف رهبری می‌کنند. «نظام ارزشی هر فرد، عبارت است از مجموعه اصول مکتبی که در انتخاب و تصمیم‌گیری‌ها و حل مشکلات به کار می‌رود» (Milton Rokemch, 1968, p. 13-33).

گفت‌وگویی دین و دولت در حوزه عمومی در درون ارزش‌های اسلامی انجام می‌شود که این ارزش‌ها با ارزش‌های جوامع دیگر، مانند جوامع مدرن لیبرال تفاوت دارد و اصولاً وجه تمایز دموکراسی دینی از دیگر دموکراسی‌ها در همین اصول ارزشی است که به برخی از آنها اشاره می‌کنیم:

یک - اصل توحید: مبنا و اساس همه چیز در اسلام، توحید و کلمه «لا اله الا الله» است (بناء رضوی، ۱۳۷۵، ص ۶۲۶) و کنش‌های سیاسی انسان نباید با توحید منافات داشته باشد.

دو - اصل خلیفه‌اللهی انسان: انسان بر اساس آیات مختلف قرآن، خلیفه و جانشین خدا در روی زمین است و حق تعیین سرنوشت خود را دارد (بقره: ۳۰).

سه - اصل معاد: رفتارهای انسان و از جمله رفتارهای سیاسی او در حوزه عمومی، در جهان آخرت پاداش و کیفر خواهند داشت (آل عمران: ۳۰).

چهار - اصل تقوا: در نظام ارزشی اسلام، خویش‌داری از گناهان، مورد تأکید و توصیه فراوان است (بقره، ۱۹۷).

در دیدگاه علامه طباطبایی انسان‌ها با هم برابرند و کسی بر دیگری برتری ندارد، ولی روحیه استخدام موجود در انسان، سبب شکل‌گیری اجتماع مدنی می‌شود تا کسی بر دیگری سلطه نداشته باشد. تقوای الهی فراهم‌آورنده زندگی طیبه در جوار رحمت الهی و سعادت انسان است (طباطبایی، بی‌تا-الف، ص ۲۰۴؛ بی‌تا-ب، ج ۴، ص ۹۹-۱۰۴). براین اساس،



انسان در فعالیت‌های سیاسی خود باید به مشورت، امر به معروف، نصیحت حاکمان، مدارا با دیگران، خیرخواهی، امانتداری و مانند آن التزام داشته باشد و از گناهان فردی و اجتماعی همچون دروغ، غیبت، تهمت و افترا، استهزا، افشای اسرار مؤمنان، ایدای دیگران، تجاوز به حقوق افراد و مانند آن در حوزه عمومی بپرهیزد.

ب) مسائل مورد گفت‌وگو

درباره رابطه دین و دولت، یکسری امور مشترک و مورد اتفاق وجود دارد که از حوزه گفت‌وگو خارج است؛ زیرا در آن موارد، اختلافی وجود ندارد. اموری که درباره رابطه دین و دولت مسئله‌خیز باشد و ادعایی درباره تعارض ظاهری یا تنافی آن دو وجود داشته باشد، به بحث و گفت‌وگو گذاشته می‌شود و در عمل، آن ادعاهایی که استدلال‌های قوی‌تر داشته باشند، مورد اقبال و اجماع مشترک و پذیرش جمعی قرار می‌گیرند. در جامعه اسلامی باید فضایی آزاد از سلطه قدرت و ثروت باشد تا کسانی که ادعاهایی درباره دین و دولت در موضوعات مختلف دارند، بتوانند آن را با ارائه دلیل و استدلال بیان کنند.

زبان → گفت‌وگو → استدلال → اقبال عمومی → عمل

در کنش ارتباطی، تعامل و تفاهم بین گفت‌وگوکنندگان وجود دارد و آنان ضمن گفت‌وگو، روش‌ها و قواعد گفت‌وگو را کشف می‌کنند و مشارکت‌کنندگان که شهروندان جامعه هستند، با گفت‌وگو به توانایی ارتباطی دست می‌یابند.

ج) معیارهای گفت‌وگو در قانون اساسی

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، به‌عنوان میثاق ملی می‌تواند مبنایی برای گفت‌وگو باشد. در یک جامعه دینی، ارزش‌های دینی و شریعت اسلامی وجود دارد که گفت‌وگوها نمی‌تواند مخل مبانی دینی باشد. بدین‌لحاظ جامعه اسلامی مدل خاصی برای گفت‌وگو دارد که در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران هم آمده است. در اینجا به برخی از آنها اشاره می‌کنیم.

یک - جمهوری بودن نظام

نظام جمهوری که در مقابل نظام سلطنتی قرار می‌گیرد، حکومتی است که اولاً، حاکم در آن به‌صورت مستقیم یا غیرمستقیم از سوی مردم انتخاب می‌شود. ثانیاً، دوره زمامداری در آن محدود است. ثالثاً، حاکم جامعه با دیگران برابر است و امتیاز خاصی بر آنان ندارد (هاشمی، ۱۳۷۴، ج ۱، ص ۵۳). در جمهوری اسلامی، اداره امور کشور با اتکا به آرای اکثریت مردم انجام می‌شود (قانون اساسی، اصل ۶) و اصل جمهوریت نظام، غیرقابل تغییر است.

دو - اسلامی بودن نظام

دین اسلام دارای یکسری اصول ثابت و تغییرناپذیر است (همان، اصل ۴)؛ ولی در اموری که شرع اجازه داده است، انسان می‌تواند به قانون‌گذاری بپردازد.

سه - رسمی بودن مذهب شیعه اثنی عشری

بر اساس قانون اساسی و باور مردم، مذهب رسمی در ایران، مذهب شیعه دوازده امامی است و این امر تغییرناپذیر است (همان، اصل ۱۲). قانون اساسی جمهوری اسلامی به صورت صریح، یکسری از باورهای غیرقابل‌تغییر را بیان کرده است (همان، اصل ۱۷۷).

د) قانون اساسی بستری برای گفت‌وگو در حوزه عمومی

قانون اساسی به صراحت بر نقش مردم و نیروهای اجتماعی در حکومت و دموکراتیک بودن فرایند تصمیم‌گیری از طریق گفت‌وگو و مشورت تأکید دارد که می‌تواند ضمانت اجرای نقش مردم و نهادهای اجتماعی در سیاست‌گذاری‌ها را فراهم آورد. در اینجا صرفاً به برخی از مباحث آن اشاره می‌کنیم:

(۱) قانون اساسی بر حاکمیت الهی از طریق انسان تأکید کرده، حکومت را از حقوق الهی مردم می‌داند. این امر بر همه نهادهای حکومتی الزام می‌کند که حقوق مردم را در حکومت به رسمیت بشناسند (همان، اصل ۵۶). بر اساس اصول قانون اساسی، جمهوری بودن نظام، تغییرپذیر نیست (همان، اصل ۱۷۷) و بدین ترتیب، همه امور کشور به صورت مستقیم یا غیرمستقیم با مشارکت مردم اداره می‌شود.

(۲) آزادی یکی از مؤلفه‌های مهم دموکراسی است که در قانون اساسی بر آن تصریح شده (همان، اصول ۱۹-۴۲) و شامل موارد پیش‌روست: آزادی بیان، قلم، مطبوعات (همان، اصل ۲۴)، مصونیت از تجسس (همان، اصل ۲۵)، آزادی‌های گروهی (همان، اصول ۲۶ و ۲۷)، آزادی فکر و منع از تفتیش عقاید (همان، اصل ۲۳)، امنیت و آزادی‌های قضایی (همان، اصول ۳۷-۳۹)، امنیت جان، مال، آبرو، آزادی مسکن و شغل (همان، اصل ۲۲).

بر اساس کنش ارتباطی، سلطه دولت در گفت‌وگوهای عمومی سبب می‌شود دموکراسی با رکود مواجه شود. این مورد در قانون اساسی آمده است: «هیچ مقامی حق ندارد به نام حفظ استقلال و تمامیت ارضی کشور، آزادی‌های مشروع را هرچند با وضع قوانین و مقررات، سلب نماید» (همان، اصل ۹).

(۳) بر اساس قانون اساسی حق قانون‌گذاری از آن مردم است (همان، اصل ۶). قوه مقننه حق خدادادی مردم را در سرنوشت سیاسی و اجتماعی آنان رقم می‌زند (همان، اصل ۵۶).





مردم همچنین در مسائل بسیار مهم کشور می‌توانند به‌صورت مستقیم قانون‌گذاری کنند (همان، اصل ۵۹).

(۴) احزاب و گروه‌های سیاسی یکی از نهادهایی است که از دستاوردهای عقلانیت مدرن بوده و در قانون اساسی آمده است (همان، اصل ۲۶).

(۵) در قانون اساسی به امر به معروف و نهی از منکر، شورا و مشورت به‌عنوان راهکارهایی برای نظارت بر قدرت و نفی سلطه پرداخته شده است (همان، اصول ۲ و ۳).

(۶) یکی از نهادهای حوزه عمومی، وجود رسانه‌های آزاد از سلطه دولت به‌صورت مطبوعات، انتشار کتب (همان، اصل ۲۴)، صدا و سیما (همان، اصل ۵۷) و تشکیل اجتماعات و راهپیمایی‌ها (همان، اصل ۲۷) است. رسانه‌های غیردولتی می‌توانند از انحصار اطلاعات جلوگیری و کنش ارتباطی را تسهیل کنند.

ه) آموزه‌های دینی درباره گفت‌وگو در حوزه عمومی

برخی از آموزه‌ها در نصوص دینی وجود دارد که می‌توان از آنها برای گفت‌وگوی دین و دولت در حوزه عمومی بهره گرفت. در ادامه به برخی از آموزه‌های دینی اشاره می‌کنیم که به احیای حوزه عمومی کمک می‌کند:

یک - شورا و مشورت

قرآن کریم در توصیف مؤمنان می‌فرماید: «وَأْمُرُهُمْ سُورَىٰ بَيْنَهُمْ» (شوری: ۳۸). خداوند، انسان‌های مؤمن را مورد ستایش قرار داده است که در امور فردی و اجتماعی خود، مشورت می‌کنند: «وَشَاوِرُهُمْ فِي الْأَمْرِ» (آل عمران: ۱۵۹) و در ادامه این آیه می‌فرماید: «فَإِذَا عَزَمْتَ فَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ»؛ یعنی هنگام تنفیذ رأی اکثریت، هیچ‌گونه دلهره و نگرانی به خود راه نده و بر خداوند توکل کن که خداوند، تو را پشتیبانی می‌کند (معرفت، ۱۳۷۷، ص ۹۶).

علامه طباطبایی ذیل آیه ۳۸ سوره شوری می‌نویسد: «احکامی که از مقام ولایت صادر می‌شود، از راه شورا و با رعایت صلاح اسلام و مسلمین صادر خواهد شد» (طباطبایی، بی‌تا(الف)، ص ۲۹). «از مجموع آیات اجتماعی قرآن، چنین برمی‌آید که دین، دارای یک نظام اجتماعی است که خداوند اجرای آن را به عهده مردم قرار داده است و افراد جامعه باید به‌صورت جمعی اقامه دین کنند. روشن است که جامعه به دلیل اینکه از افراد تشکیل شده است، اداره آن نیز بر عهده خود آنهاست» (همو، بی‌تا-ب، ج ۴، ص ۲۲). در این جملات، ایشان مناسبات دین و دولت را در حوزه عمومی قابل بررسی می‌داند.

آیت‌الله نائینی در تنبیه الامه و تنزیه الملة به مشورت در امور سیاسی در حوزه عمومی

توجه و بر اعمال نظر اکثریت در آن تأکید می‌کند (نائینی، ۱۳۸۲، ص ۸۴). در نظر وی، رسول خدا ﷺ در عین معصوم بودن، وظیفه داشت امور سیاسی را با گفت‌وگو و رأی اکثریت اداره کند.

دو - امر به معروف و نهی از منکر

اصل امر به معروف و نهی از منکر از اموری است که در منابع اسلامی و فقه برای نظارت بر دولت و نقد سیاست‌ها و تصمیم‌گیری‌ها در حوزه عمومی مورد تأکید قرار گرفته است: «وَلْتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ» (آل عمران: ۱۰۴).

امر به معروف و نهی از منکر، سه نوع رابطه را در جامعه تنظیم می‌کند: رابطه مردم با یکدیگر، رابطه دولت با مردم و رابطه مردم با دولت.

آیت‌الله نائینی اصل امر به معروف و نهی از منکر را در برابر سلطه دولت، از واجبات ضروری دین برشمرده است تا حقوق مردم در آن مورد اهتمام قرار گیرد (نائینی، ۱۳۸۲، ص ۱۶۷). مردم با وظیفه امر به معروف، حکومت را از تعدی در حقوق مشترکه و تحدید آزادی منع می‌کنند (همان، ص ۷۵). نائینی از بحث امر به معروف در تحدید سلطه حاکم بر جهان زیست مسلمانان در دوره غیبت استفاده می‌کند. وظیفه مردم آن است که زمینه‌های مشارکت و رقابت سیاسی افراد و نیروها را فراهم آورند (فضل‌الله، ۱۹۹۵م، ص ۳۹).

سه - اصل آزادی انسان

آزادی از حقوق فطری انسان است و بلکه در نگاه برخی، آزادی از امور فوق حق شمرده می‌شود (مطهری، ۱۴۰۳ق، ص ۱۷۳). آزادی انسان در اسلام، از اراده فرد انسانی سرچشمه می‌گیرد؛ زیرا شریعت نیز با عقل انسانی فهم و درک می‌شود.

آیت‌الله نائینی در کتاب *تنزیه الملة* به بحث آزادی سیاسی می‌پردازد و آن را امری جبلی و ذاتی انسان می‌داند که قابل جعل و سلب نیست (نائینی، ۱۳۸۲، ص ۵۱-۵۹).

چهار - اصل «النصيحة لائمة المسلمين»

نصیحت حاکمان از سوی مسلمانان، یکی دیگر از اصولی است که از رابطه مردم با حکومت اسلامی حکایت دارد. امام علی علیه السلام بر حقوق مردم در نصیحت حاکمان تأکید می‌فرماید (نهج البلاغه، خطبه ۲۰۷).

درباره گفت‌وگو در حوزه عمومی، به مفاهیم دیگری از نصوص دینی درباره بیعت، نظارت بر حکومت، اصل اتباع احسن، سمحه و سهله بودن شریعت، اصالة الاباحة و نظایر آنها می‌توان تمسک کرد که برای پرهیز از طولانی شدن، از توضیح آنها خودداری





می‌کنیم.

(و) حوزه عمومی در ایران

در نظریه کنش ارتباطی، افزون بر جهان زیست و سیستم، بر حوزه عمومی تأکید می‌شود. اگرچه حوزه عمومی در جوامع لیبرال، بین جامعه مدنی و دولت قرار دارد (مک‌کارتی، ۱۳۸۴، ص ۱-۲)، ولی با توجه به طرح مباحث انتقادی در جامعه مدنی می‌تواند شامل آن هم باشد. حوزه عمومی زمانی پدید می‌آید که گرد هم آمدن مردم و آزادی وجود داشته باشد (نوذری، ۱۳۸۱، ص ۴۶۶) و کارکرد آن، محدود کردن قدرت سیاسی است و در حوزه‌های اجتماعی، ادبی، فرهنگی، اقتصادی و سیاسی هم می‌تواند وجود داشته باشد (هولاب، ۱۳۷۵، ص ۲۵). در نظریه کنش ارتباطی، دموکراسی به شیوه گفت‌وگو، استدلال و مناظره از طریق نظامی از حقوق، حق مشارکت برابر و آزاد را برای فرد در قانون‌گذاری تضمین می‌کند (لسناف، ۱۳۸۷، ص ۴۱۷) و بدین ترتیب، مشروعیت از رضایت شهروندان به دست می‌آید. در جهت مقابل آن، گفت‌وگوهای آزاد در حوزه عمومی سبب رونق مکان‌ها و نهادهای حوزه عمومی شده، تصمیم‌گیری‌ها بر اساس توافق و اجماع اتخاذ می‌شود و دین با صبغه اجتماعی در دولت مشارکت می‌کند.

دولت → اجتماع → دین

براین اساس، حکومت اسلامی به صورت حکومت اجتماعی دینی پدید می‌آید و احکام اسلامی با مشورت عمومی اجرا می‌شود و در زمان غیبت، از باب ملک اجتماعی و همین‌طور حقوق مشترکه نوعیه به مسلمانان تعلق دارد. انتخاب حاکم در جامعه اسلامی با مسلمانان است (رشاد، ۱۳۸۵، ج ۴، ص ۴۱۰).

حوزه عمومی مطلوب این پژوهش، آن حوزه عمومی است که در جامعه اسلامی شکل می‌گیرد و از این‌رو، درمقایسه با حوزه عمومی جامعه لیبرال، شرایط و ویژگی‌هایی دارد. در جامعه اسلامی، ارزش‌های دینی حاکم است و گفت‌وگوها باید ارزش‌ها و اصول بدیهی دین، مانند توحید و دیگر اصول بدیهی دین را به‌عنوان امری مشترک و مفروض بپذیرد. به همین دلیل، محدودیت‌ها و شرایطی را در جامعه دینی تحمیل می‌کند؛ مانند پرهیز از نشر شایعات، دروغ، غیبت، تهمت و افتراء، پرهیز از فحاشی و دشنام دادن به دیگران، تجسس نکردن در امور شخصی و حوزه خصوصی افراد، عدم نشر کتب ضلال، خیرخواهی درباره دیگران، تولی و تبری، و امر به معروف و نهی از منکر که بیشتر این محدودیت‌ها به وسیله عقل هم پذیرفته می‌شود.

حوزه عمومی همچنین شامل کارشناسان رشته‌های مختلف می‌شود و در این نوشتار، کلیه شهروندان عادی جامعه را هم دربرمی‌گیرد؛ زیرا زندگی سیاسی به همه افراد جامعه ارتباط دارد.

آنچه به‌عنوان حوزه عمومی در مناسبات دین و دولت در این پژوهش مدنظر است، آن است که امور عمومی به همه مردم، اعم از شهروندان عادی و متخصصان حرفه‌ای مرتبط است و اجرای احکام اسلامی و تشخیص ضرورت‌ها و مصلحت‌ها وظیفه عموم مردم است. در این بخش به برخی از مکان‌ها و نهادهای حوزه عمومی در ایران اشاره می‌کنیم.

یک - روحانیون و حوزه‌های علمیه

روحانیون در طول تاریخ شیعه به‌عنوان نیروی قوی و فعال در برابر دولت‌ها بوده‌اند. آنان با توجه به اینکه از نظر اقتصادی و مالی هیچ زمانی به دولت‌ها وابسته نبوده‌اند (مطهری، ۱۳۶۶، ص ۱۶) و از وجوه شرعی، مثل خمس و وقف امرار معاش می‌کنند، می‌توانند به‌عنوان نهادی مهم از جامعه مدنی به شمار آیند. شیوه تعامل حوزه‌های علمیه با نظام جمهوری اسلامی یکی از مشکلات نظری و عملی است که راه‌حل اقناعی برای آن پیشنهاد نشده است. بر اساس نظریه کنش ارتباطی در حوزه عمومی، روحانیت و حوزه‌های علمیه، مستقل از دولت‌اند و به‌عنوان یک نهاد مدنی و علمی مورد توجه قرار می‌گیرند (همو، ۱۳۸۵، ص ۱۹۳ و ۲۳۵).

در آثار آیت‌الله مرتضی مطهری نقش هدایتی و نظارتی روحانیت مورد توجه قرار گرفته است؛ همان‌گونه که به فقها هم نقش نظارتی می‌دهد (همان، ص ۲۵۶). او حتی در شرایط مساوی، اولویت را به غیرروحانیون می‌دهد (همان، ص ۲۳۶). اجتهاد آزاد، اجتهاد فارغ از سلطه سیاسی و اقتصادی و در راستای پویایی بخشیدن به فقه با توجه به مقتضیات زمان و مکان است. روحانیون به شیوه‌های متعدد می‌توانند گفت‌وگو در حوزه عمومی را در برابر قدرت دولتی تحقق بخشند. آنان نهادهایی مانند امامت جمعه، جماعات و اداره مساجد را برعهده دارند و در صورت استقلال از دولت، از عناصر مهم حوزه عمومی در جامعه شمرده می‌شوند.

دو - دانشگاه‌ها و دانشگاهیان

دانشگاه‌ها از نهادهای جامعه مدنی و زندگی دموکراتیک هستند. در ایران بنای پیشرفت را فناوری می‌دانند و رتبه‌بندی علوم، به نفع علوم فنی پیش می‌رود. این وضعیت، گفت‌وگو در حوزه عمومی را کم‌رنگ می‌کند (میرسپاسی، ۱۳۸۱، ص ۱۵۱-۱۵۲). رشته‌های علوم انسانی





متهم‌اند از نظریه‌پردازی‌ها و تئوری‌های غربی یا غیربومی استفاده می‌کنند. نهاد دانشگاه در ایران همواره در کنترل دولت بوده است و ساختار رسمی دانشگاه‌ها را دولت‌ها تعیین کرده‌اند. بخش غیررسمی این نهاد، عاملی مهم در حوزه سیاسی و فرهنگی و طرف گفت‌وگو در حوزه عمومی بوده است.

سه - احزاب و گروه‌های سیاسی (جامعه مدنی)

احزاب سیاسی به‌عنوان چرخ‌دنده دموکراسی عمل می‌کنند و تکثرگرایی فرهنگی و سیاسی را با خود دارند. احزاب سیاسی همچنین با تمرکز قدرت در نظام‌های استبدادی، مقابله و قدرت سیاسی را در جامعه توزیع می‌کنند. یکی از نهادهای مورد تأکید در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، احزاب سیاسی است که کاربست آنها از حیث نظری و عملی با دولت دینی مشکلاتی را ایجاد کرده است؛ به‌گونه‌ای که برخی آن را نسخه‌های غربی برای جامعه دینی می‌دانند (هفته‌نامه ارزش‌ها، ۱۳۷۴، ص ۲۵).

احزاب دارای کارویژه‌های بسیاری مانند شکل دادن به افکار عمومی، اطلاع‌رسانی، آموزش توده‌ها برای مشارکت سیاسی، جامعه‌پذیری و جهت‌دهی رأی‌دهندگان هستند (نقیب‌زاده، ۱۳۷۸، ص ۷۰) اصل ششم قانون اساسی، احزاب و گروه‌های سیاسی را که از نهادهای عقلانیت مدرن هستند، به‌صورت زیر طرح می‌کند.

چهار - رسانه‌ها و مطبوعات

مطبوعات و رسانه‌ها از ارکان دموکراسی به‌شمار می‌آیند و می‌توانند در فضای آزاد، قدرت سیاسی و اقتصادی را نقد کنند و حوزه عمومی را فعال و بانشاط نگاه دارند. رسانه‌ها می‌توانند سلطه سیستم را بر تحریف جهان زیست مردم و دور شدن جامعه را از وضعیت کلامی ایدئال نقد نمایند و آن را به چالش بکشند.

در اصول گوناگون قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به آزادی مطبوعات و رسانه‌ها اشاره شده است. در اصل ۲۴ می‌خوانیم: «تشریفات و مطبوعات در بیان مطالب آزادند، مگر آنکه مخل به مبانی اسلام یا حقوق عمومی باشد» و همین‌طور به رادیو و تلویزیون و نقش آن در بیان آزاد افکار مختلف اشاره شده است (قانون اساسی، اصل ۱۷۵).

پنج - اینترنت، به‌عنوان واسطه‌ای جدید در مشارکت مدنی

اینترنت به‌عنوان واسطه‌ای که می‌تواند بر روابط اجتماعی و سیاسی تأثیر بگذارد و نوآوری‌های جدیدی در شکل‌های جدید سیاست داشته باشد، مطرح است و می‌تواند به‌عنوان چارچوب نظری مفاهیم جامعه مدنی و فضای عمومی به‌شمار آید (اکسفورد و

هاگینز، ۱۳۸۷، ص ۱۳۵). در اصل، شبکه به عرصه جدیدی از سیاست اجازه حضور می‌دهد؛ یعنی شبکه به‌عنوان یک فضای عمومی گسترده یا گسترش حوزه عمومی است. جامعه مدنی، فضای ارتباطاتی است که برای **ساخت** ذهنی و بازسازی هویت‌های جمعی و همبستگی‌ها عمل می‌کند (همان، ص ۱۴۳). محدودسازی امکان استفاده از اطلاعات اینترنتی و شبکه‌های مجازی که با اغراض امنیتی و فرهنگی صورت گیرد، می‌تواند حوزه عمومی را محدود سازد و سلطه سیستم را بر جهان زیست افزایش دهد.

شش - هیئت‌های مذهبی

هیئت‌ها گروهی از مردم هستند که برای عزاداری ائمه علیهم‌السلام و به‌ویژه امام حسین علیه‌السلام گرد هم جمع می‌شوند و دسته‌های عزاداری را در کوچه‌ها و خیابان‌ها راه می‌اندازند. این نهادهای مردمی به‌صورت خودجوش تشکیل می‌شوند و از قدرت سیاسی در همه دوره‌ها مستقل هستند. آنان از نیروهای حوزه عمومی شمرده می‌شوند و به‌نوعی می‌توانند در ساخت فرهنگ عمومی نقش داشته باشند.

هفت - مراکز ورزشی و استادیوم‌ها

اماکن ورزشی افزون بر پرداختن به ورزش، جایی برای گفت‌وگوها و دیدارهاست که افراد مختلف به‌صورت صنفی و طبقاتی با هم دیدار می‌کنند. افزون بر نهادها و مراکز پیش‌گفته در حوزه عمومی، می‌توان به گروه‌های فشار، کانون‌ها و مجامع فرهنگی، انجمن‌ها و تشکل‌های حرفه‌ای و صنفی، سندیکاها، نهادهای اجتماعی و شوراهای، تجمعات تفریحی و قهوه‌خانه‌ها، اجتماعات و راهپیمایی‌ها، نشریات استان‌ها و شهرستان‌ها، جمعیت‌های صنفی و سیاسی، نهادها و تجمعات مذهبی مانند مساجد، منابر، تکایا و حسینیه‌ها، ریش‌سفیدان و عشایر و ده‌ها عنوان دیگر در حوزه عمومی و جامعه مدنی اشاره کرد.

۶. مسائل دین و دولت در حوزه عمومی

مسائل متعدد و متنوعی درباره تعامل دین و دولت در حوزه عمومی می‌توان مطرح کرد که در اینجا به برخی از آنها اشاره می‌کنیم: امکان قانون‌گذاری انسان، جایگاه مجلس، ماهیت انتخابات و رأی مردم در حکومت اسلامی، دموکراسی و جمهوریت، رابطه حقوق و شریعت، رابطه دین و عقل و همین‌طور دین و علم، جمعی بودن یا فردی بودن حکومت در اسلام، رابطه دین و آزادی، رابطه آزادی با شریعت و عبودیت، رابطه حاکم اسلامی با شوراها و حقوق مردم، رابطه دین با نهادهای جدید سیاسی مانند احزاب، گروه‌های فشار و مانند آن، بهره‌گیری از نهادهای مدرن و محاکم عرفی در قضاوت، سازوکار استفاده از





ضرورت و مصلحت در حکومت اسلامی، تفکیک حوزه عمومی از حوزه خصوصی، شکل حکومت در اسلام و دهها موضوع کلی و جزئی دیگر. در پایان برخی از مسائل عملی در این زمینه را به عنوان مثال‌های عینی ذکر می‌کنیم. در دهه اول نظام جمهوری اسلامی ایران، بین قوه مقننه به عنوان قانون‌گذار و قوه مجریه به عنوان نماینده اجرایی دولت مدرن و شورای نگهبان به عنوان نماینده شریعت در حوزه قواعد و مقررات اجتماعی این نزاع در گرفت که نماینده دولت به دنبال ایجاد محدودیت‌های خاص برای کارفرمایان، دولتی کردن تجارت خارجی و... بود؛ درحالی‌که نماینده دین چنین محدودیت‌هایی را برخلاف شرع می‌دانست. نبودن معیاری برای دینی بودن فعالیت‌های فرهنگی، اقتصادی و سیاسی، یافتن جایگزینی برای احکام قضایی نظیر قصاص، حدود و دیات، برابری دیه اهل کتاب و مسلمانان، تقلیل شرایط قاضی از اجتهاد به آشنایی با فقه و حتی حقوق، گذر از اداره کشور به وسیله خمس و زکات به سوی مالیات و... برخی از مشکلات در حوزه عملی هستند.

۷. نتیجه

پرسش اصلی آن بود که آیا می‌توان الگویی برای تبیین مناسب رابط دین و دولت در جمهوری اسلامی ایران در راستای الگوهای رسمی و غیررسمی ارائه کرد تا چالش‌های نظری و عملی آن دو را حل نماید. از این رو، این مقاله در پی ارائه الگویی برای تعامل دین و دولت از طریق کنش ارتباطی در حوزه عمومی، و از طریق دموکراسی گفت‌وگویی به دور از سلطه قدرت و ثروت بود تا در کاربست آن عقلانیت‌های مختلف، از یکه‌تازی در عرصه دولت بپرهیزند. این نوشتار با رویکرد تحلیلی به تبیین نظریه انتقادی مبتنی بر کنش ارتباطی پرداخت و با تشریح اجزاء و ابعاد آن، گفت‌وگو در حوزه عمومی را پیشنهاد کرد؛ تا گفت‌وگوی دین و دولت در امور مبهم از طریق رضایت و اقناع عمومی باشد. نویسنده در این راستا و در جهت بومی‌سازی آن، از ظرفیت‌های دین اسلام، قانون اساسی و نهادهای حوزه عمومی ایران بهره گرفت.

در این مقاله بر اساس نظریه انتقادی مبتنی بر کنش ارتباطی هابرماس و بازسازی و بومی‌سازی آن، الگویی برای تعامل دین و دولت در حوزه عمومی ارائه کردیم و به این نتیجه رسیدیم که بر اساس ظرفیت‌های دین اسلام و قانون اساسی می‌توان فضایی برای گفت‌وگوی آزاد و رسیدن به اقناع عمومی در موارد مسئله‌خیز و خاکستری در حوزه دین و دولت ترسیم کرد. در پایان، برخی از مزایا، پیشنهادها و تجویزهای نظری و عملی پژوهش

حاضر را برای ترسیم رابطه‌ای بهتر در تعامل دین و دولت در جمهوری اسلامی ایران ارائه می‌کنیم:

(۱) دین و دولت در تعامل دایمی هستند؛ در نتیجه، حوزه دین در جمهوری اسلامی ایران، در فضای ارتباطات آزاد و درعین‌حال در تعامل دایمی با دولت به کارهای خود می‌پردازد.

(۲) طرفداران الگوهای مختلف دین و دولت در جمهوری اسلامی ایران به‌جای تأکید بر کشمکش‌ها، تضادها و اختلاف‌ها و تکیه بر دیدگاه‌های یک‌طرفه، برای طرح دیدگاه‌ها در فضایی آزاد و با رسانه‌های گروهی، فارغ از سلطه دولت و ثروت تلاش کنند و برای یافتن علایق مشترک و عمومی، در جهت رسیدن به تعادل و تفاهم اجتماعی و در نتیجه دوری از بحران‌های متعدد سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی بکوشند. حل مسائل دین و دولت به فضایی عاری از پرخاشگری، افترا، تکفیر، محکوم کردن پیشین الگوهای رقیب، جوسازی، هجوم روانی و یک‌سویه، استبداد دینی و دولتی و مانند آن نیاز دارد.

(۳) راه غلبه بر عقلانیت ابزاری و رسیدن به عقلانیت تفاهمی، گفت‌وگوی آزاد از سلطه در حوزه عمومی است. با امکان گفت‌وگو در متن جهان زیست مبتنی بر عقلانیت تفاهمی و معطوف به ارزش‌ها و فرهنگ دینی، می‌توان به مناسبات دین و دولت در ایران معاصر نظر افکند.

(۴) دخالت دولت در حوزه عمومی سبب افول تدریجی آن می‌شود؛ زیرا دولت با عقل محاسبه‌گر خود، به‌سوی علایق خصوصی و در نتیجه از میان برداشتن رقبا و مخالفان میل دارد.

(۵) بهره‌مندی از عقلانیت در صورت عدم تعارض با شریعت می‌تواند در اداره جامعه مورد توجه قرار گیرد؛ در نتیجه، راه برای پذیرش دولت و نهادهای عقلانی - دینی فراهم می‌شود.

(۶) پیشنهاد دیگر، شکل‌گیری دموکراسی در عرصه عمومی از طریق گفت‌وگوست. بحث و مناظره در دموکراسی گفت‌وگویی، راهی برای حل عادلانه مناقشات و رسیدن به تفاهم و تعادل اجتماعی است و بحران‌های متعدد اجتماعی و بحران‌های حوزه دولت را کاهش می‌دهد.

(۷) همه مسئولان و مقامات دولتی به‌صورت مستقیم یا غیرمستقیم از طریق انتخابات آزاد و شفاف انتخاب شوند و همه مسئولان حکومتی در همه امور از طریق نهادهای مردمی تحت نظارت مستمر و دایمی باشند.



- (۸) در راستای عقلانیت ارتباطی شهروندان، اخبار و اطلاعات به صورت شفاف و از طریق رسانه‌های جمعی مختلف و متنوع و حتی خصوصی در اختیار مردم قرار گیرد.
- (۹) بر اساس الگوی تعامل دین و دولت، عقلانیت ارتباطی اقتضا می‌کند قانون‌گذاری در همه امور مربوط به کشور، به وسیله مردم و از طریق مجلس انجام شود و به بهانه مصلحت‌سنجی‌ها با قانون‌گذاری مخالفت نشود، بلکه مصلحت‌سنجی نیز از طریق نمایندگان مردم صورت پذیرد.
- (۱۰) تجلی یافتن اراده‌های عمومی در قانون‌گذاری، اقتضا می‌کند نهادهای نظارتی همانند شورای نگهبان در راستای اقناع افکار عمومی رفتار کنند.

۸. منابع

- قرآن کریم.
- نهج البلاغه، ترجمه فیض الاسلام.
- احمدی، بابک (۱۳۷۷)، مدرنیته و اندیشه انتقادی، تهران، نشر مرکز.
- اکسفورد، بری و ریچارد هاگینز (۱۳۸۷)، رسانه‌های جدید و سیاست، تهران، پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری.
- بشیریه، حسین (۱۳۷۹)، درآمدی بر جامعه‌شناسی تجدد، قم: دفتر تبلیغات اسلامی.
- بناء رضوی، مهدی (۱۳۷۵)، «رویکرد اسلامی توسعه اقتصادی»، در: مجموعه مقالات اسلام و توسعه، تهران، دانشگاه شهید بهشتی.
- بتتون، تد و یان کرایب (۱۳۸۴)، فلسفه علوم اجتماعی، ترجمه شهناز مسمی‌پرست و محمود متحد، تهران، نشر آگه.
- لمپتون، ان. کی. اس، ۱۳۸۴، نظریه دولت در ایران، ترجمه چنگیز پهلوان، تهران: نشر کیو.
- پیوزی، مایکل (۱۳۷۸)، یورگن هابرماس، ترجمه احمد تدین، تهران، هرمس.
- توفیقی، حسین (۱۳۷۹)، آشنایی با ادیان بزرگ، تهران، سمت.
- جعفری، محمدتقی (۱۳۷۸)، فلسفه دین، تدوین عبدالله نصری، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۷۲)، شریعت در آینه معرفت، قم، انتشارات رجاء.
- رشاد، محمدحسین (۱۳۸۵)، در محضر علامه طباطبایی، قم، سماء قلم.
- رنی، آستین (۱۳۷۴)، حکومت؛ آشنایی با علم سیاست، ترجمه لیلا سازگار، تهران، مرکز نشر دانشگاهی.





- سعید، بابی (۱۳۷۹)، *هراس بنیادین، اروپامداری و ظهور اسلام‌گرایی*، ترجمه غلامرضا جمشیدیها و موسی عنبری، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
- شجاعی‌زند، علیرضا (۱۳۸۸)، *جامعه‌شناسی دین*، تهران: نشر نی.
- شرابی، هشام (۱۳۸۰)، *پدر سالاری جدید*، ترجمه سید احمد موثقی، تهران، کویر.
- طباطبایی، محمدحسین (بی تا - الف)، *بحثی درباره مرجعیت و روحانیت*، تهران، شرکت سهامی انتشار.
- طباطبایی، محمدحسین (بی تا - ب)، *ترجمه تفسیر المیزان*، تهران، انتشارات محمدی.
- عالم، عبدالرحمان (۱۳۸۷)، *بنیادهای علم سیاست*، تهران، نشر نی.
- فضل‌الله، محمدحسین (۱۹۹۵م)، *تأملات فی الفكر السياسي الاسلامی*، بیروت، مؤسسه دراسات الاسلامیه.
- *قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران*.
- کهون، لارنس (۱۳۸۱)، *از مدرنیسم تا پست مدرنیسم*، ترجمه عبدالکریم رشیدیان، تهران، نشر نی.
- لسناف، مایکل ایچ (۱۳۸۷)، *فیلسوفان سیاسی قرن بیستم*، ترجمه خشایار دیهیمی، تهران، نشر ماهی.
- هاشمی، محمد (۱۳۷۴)، *حقوق اساسی ج.ا.ا.*، تهران، دانشگاه شهید بهشتی.
- مطهری، مرتضی (۱۳۸۵)، *آینده انقلاب اسلامی ایران*، تهران، انتشارات صدرا.
- _____ (۱۴۰۳ق)، *بررسی اجمالی مبانی اقتصاد اسلامی*، تهران، حکمت.
- _____ (۱۳۶۶)، *نهضت‌های اسلامی در صد ساله اخیر*، تهران، انتشارات صدرا، چاپ هشتم.
- معرفت، محمدهادی (۱۳۷۷)، *ولایت فقیه*، قم، التمهید.
- معین، محمد (۱۳۷۱)، *فرهنگ فارسی*، تهران، انتشارات امیرکبیر، چاپ هشتم.
- مک کارتی، تامس (۱۳۸۴)، *نظریه کنش ارتباطی*، ترجمه کمال پولادی، تهران، مؤسسه ایران.
- میرسپاسی، علی (۱۳۸۱)، *دموکراسی یا حقیقت*، تهران، طرح نو.
- نائینی، محمدحسین (۱۳۸۲)، *تنبیه الامه و تنزیه المله*، قم، بوستان کتاب.
- *هفته‌نامه ارزش‌ها*، ۱۳۷۴ شماره اول.
- نقیب‌زاده، احمد (۱۳۷۸)، *حزب سیاسی و عملکرد آن در جوامع امروز*، تهران، نشر دادگستر.
- نوذری، حسینعلی (۱۳۸۱)، *بازخوانی هابرماس*، تهران، نشر چشمه.
- هابرماس، یورگن (۱۳۸۱)، *بحران مشروعیت، تئوری دولت سرمایه داری مدرن*، ترجمه

جهانگیر معینی، تهران، طرح نو.

- — (۱۳۸۴)، *نظریه کنش ارتباطی*، ترجمه کمال پولادی، تهران، روزنامه ایران.
- هولاب، رابرت (۱۳۷۵)، *یورگن هابرماس، نقد در حوزه عمومی*، ترجمه حسین بشیریه، تهران، نشر نی.
- وایت، استیون (۱۳۸۰)، *نوشته‌های اخیر هابرماس؛ خرد، عدالت و نوگرایی*، ترجمه محمد حریری اکبری، تهران، قطره.
- Habermas, Jurgen (1971), *Knowledge and Human Interests*, trans by J. Shapiro Boston: Beacon Press.
- — (1994), *Knowledge and inherest*, London: combridge policy press.
- — (1987), *the theory of communicative action*, vol. 2: life world and system: a critque of functionalist reason, trans by: thomasMaccarthy Boston: beacon press.
- Milton, Rokemch (1968) "A theory of organization and chnge with value attitude systems", *Jurnal of Social Issues*, 1968, 24.

